



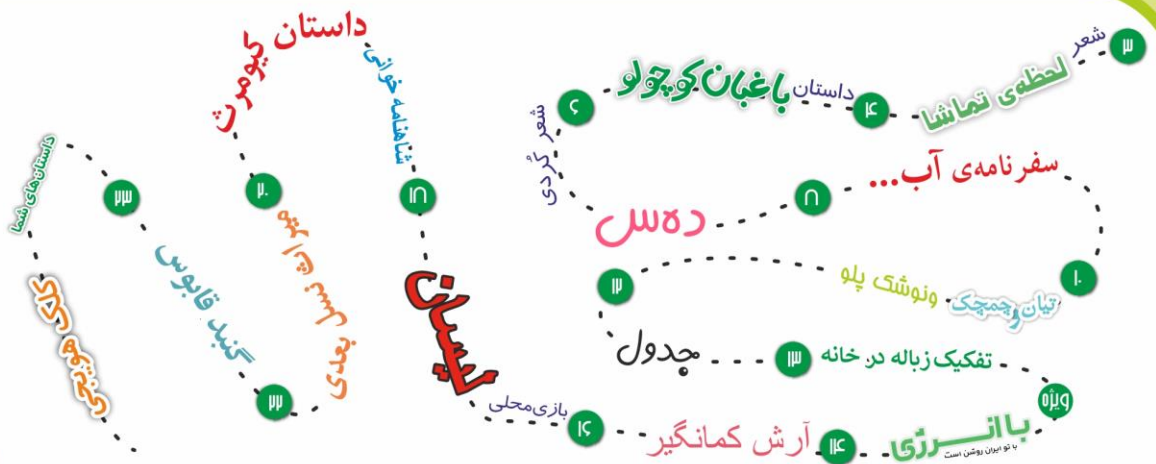
# ویگانه

ماهنامه محلی کرمانشاه

تیر ۱۴۰۳

قیمت ۳۰ هزار تومان





## فره اشتراک مجله ویلکان

نام و نام خانوادگی: ..... تلفن: ..... نشانی پستی: .....

کدپستی: .....

اشتراک ۶ شماره :

هزینه اشتراک مجله: ۱۸۰ هزار تومان و هزینه ارسال: ۱۰۰ هزار تومان

فرم اشتراک را به صورت کامل و خوانا تکمیل کنید. وجه را به کارت شماره ۶۳۶۲۱۴۱۸۰۷۹۸۳۰۵۳ به نام عبدالله مرادی واریز کنید و از طریق یکی از راه‌های ارتباطی زیر برای ما ارسال کنید.

اشتراک‌های بالای ۵۰ نسخه از تخفیف ویژه برخوردار خواهد بود.

مدیر مسئول و صاحب امتیاز: عبدالله مرادی بلشتی / مدیر اجرایی: فرنگیس صفری  
 سردبیر: پریسا وکیلی / مدیر هنری: فائزه مظفری / مدیر تحریریه: پیوند فرهادی  
 طرح جلد: طاهره سعیدی / لیتوگرافی: حافظ / چاپ آزادگان  
 ویلکان شماره ۳۷ / تیراژ ۱۰۰۰۰ نسخه / قیمت ۳۰ هزار تومان  
 نشانی: کرمانشاه، خیابان مدرس، روبروی مسجد جامع، مجتمع ایران طبقه دوم واحد ۷۲  
 حق چاپ محفوظ است و برداشت از مطالب نشریه منوط به اجازه ی کتبی می باشد

## لحظه‌ی تماشا

کاروان توقف کرد  
لحظه‌ی تماشا بود  
توی چشم‌های همه  
انتظار پیدا بود

حضرت محمد(ص) گفت:  
این علی(ع) امام شماست  
یار و یاورش باشید  
این پیام و حرف خداست

بعد آیه‌ای زیبا  
بر رسول نازل شد  
دین ما مسلمانان  
در غدیر کامل شد

شاعر: عفت زینلی  
تصویرگر: زهرا منتظری



# باغبان کوچولو

آن چیز قرمز، یک کرم بود که این طرف و آن طرف می‌رفت. سعید گفت: «آهای کرم قرمز توی باغچه‌ی من چه کار می‌کنی؟!»، کرم، خاک باغچه را زیر و رو کرد. سعید گفت: «نکند تو بذر سبزیجات ما را خوردی؟ شاید هم هنوز بذر همه‌ی سبزیجات را نخورده باشی، باید بقیه بذرها را از دست تو نجات بدهم و گرنه بابا و ماما فکر می‌کنند که من درست از باغچه مراقبت نکردم که سبزی‌ها رشد نمی‌کنند. خوب حالا چطوری این بذرها را از دست تو نجات بدهم؟!» یکدفعه چشمش افتاد به سطل خالی ماست که داخل پلاستیک بازیافت بود.

سعید باغچه را آب پاشی کرد. او به بذر سبزی‌هایی که با راهنمایی بابا کاشته بود، فکر می‌کرد. سعید قول داده بود تا رسیدن سبزی‌ها از باغچه مراقبت کند. او دوست داشت سبزی‌ها زودتر برسند تا سبزی‌های خوردن سفره‌شان را از اینجا بچینند. یکدفعه یک چیز قرمز در باغچه دید.



سعید، سطل را آورد و روی کرم گذاشت و او را زندانی کرد اما چند لحظه بعد دوباره کرم قرمزی را در باغچه دید. سطل را که برداشت، دید هیچ کرمی زیر سطل نیست. با خودش گفت: «حتماً تونل زده و فرار کرده. باید یک نقشه دیگر بکشم.» سعید چوب نازکی را از داخل باغچه برداشت. چوب را زیر کرم برد و او را بلند کرد و داخل سطل انداخت. بعد دمپایی اش را روی سطل گذاشت و گفت: «گیرت انداختم، دیگر راه فراری نداری.»

در باز شد و بابا به خانه آمد. سعید لی لی کنان جلو رفت و سلام کرد. بابا جواب سلام او را داد و پرسید: چرا یک دمپایی نداری؟! سعید کرم را به بابا نشان داد و گفت: «یک خرابکار را زندانی کردم.» و ماجرا را تعریف کرد. بابا خندید و گفت: «پسرم این کرم، یک کرم خاکی است. او با سوراخ کردن زمین باعث می شود آب و هوا توی زمین، پخش شود که این کار برای رشد گیاهان خیلی مفید است. کودی که کرم خاکی تولید می کند یک کود خیلی خوب برای تقویت خاک است. حالا فکر می کنی باید با زندانیات چه کار کنی؟!»

سعید کرم را آزاد کرد و گفت: «ممنون که به رشد سبزی های ما کمک می کنی.»

نویسنده: عفت زینلی  
تصویرگر: نیکزاد اکبری گاکیه



# دەس

پەنج گله ره فـيـق  
وه به خهـل يهـك  
نـيـشـتن و وـيـشـن  
مهـهـل تهـك تهـك

ههـم كوـل و درـيـز  
ههـم چاـخ و لهـرن  
وه كوـمهـك يهـك  
گـيـشت چـيـشت ههـل گـرن

تـوـته نازار و  
بـراگـي تـوـته  
شان دانه شان  
كا بهـرزه لـتـوـته

جو ههـل مهـقـوـته  
دووـشاو مـزه گـيان  
نـيـشـتـيه وه لاي  
كلگه گـوورامان

ههـ خوهـيان شـووردن  
بـيهـسه كارـيان  
تهـگه وهـتـيـي چـهـس  
ناو نازارـيان



# دست

پنج تا دوست  
کنار هم نشستند  
دانه دانه برای هم  
قصه می گویند

هم کتوتاه و درازند  
هم چاق و لاغرند  
و با کمک همدیگر  
همه چیز را برمی دارند

انگشت کوچک عزیز و  
برادرش انگشت حلقه  
شانه به شانه کنار برادرشان  
انگشت وسطی نشسته اند

و مثل انگشت وسطی  
انگشت اشاره جان  
کنار انگشت شستمان  
نشسته است

دایم خودشان را می شویند  
و این کار همیشگی شان است  
اگر گفتی چه چیزی  
اسم نازنین شان است؟!

شاعر: زهره پناهی

تصویرگر: زهرا منتظری

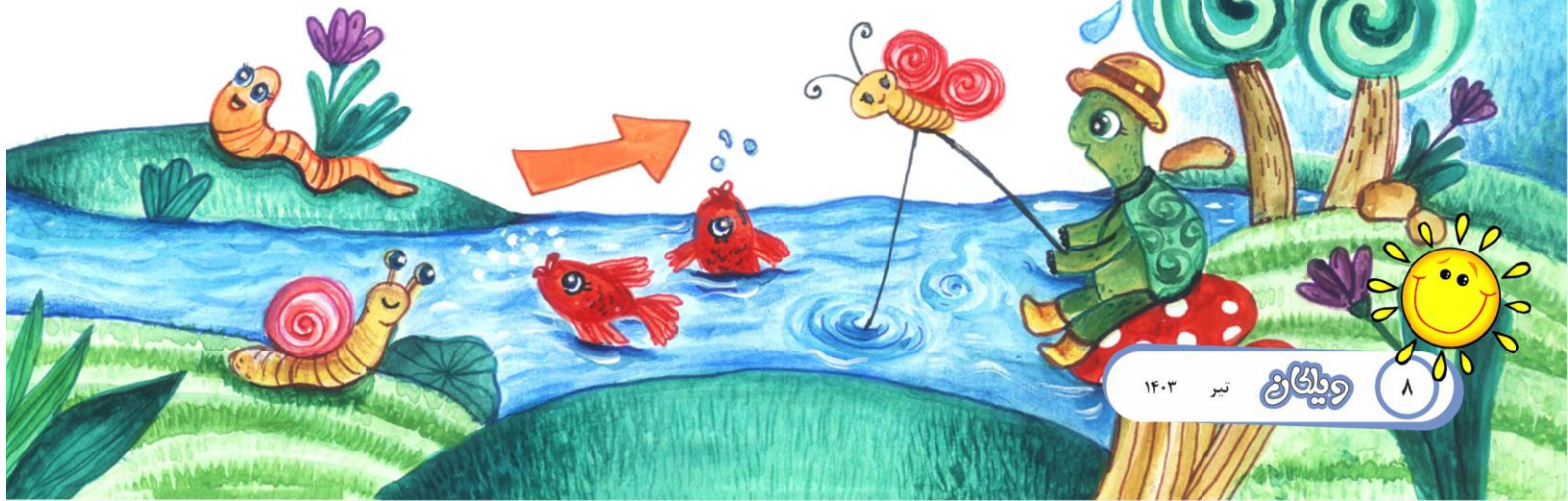




## سلام بچه‌ها!

اسم من قطره س. امروز می‌خوام برای شما از آب حرف بزنم که بهش باران، برف و یا تگرگ هم می‌گن. همه‌ی اینا از آب درست میشه. تا حالا به این فکر کردین که آب از چه زمانی وجود داشته یا از کجا آمده؟! آب از اون قدیم قدیم و زمان دایناسورها وجود داشته. بچه‌های گل! مقدار آبی که روی زمین وجود داره، خیلی کمه و بین زمین و آسمان در حرکت. اسم این پدیده ((چرخه‌ی آب)) هست. وجود آب برای تمام موجودات زنده خیلی مهمه. مثلا اگه دریاچه‌ها خشک بشن، تمام ماهی‌های توی دریاچه می‌میرن. یا اگه اقیانوس‌ها خشک بشن، تمام حیوانات دریایی از گرما هلاک میشن. می‌دانی که بیشتر وزن بدن آدمارو هم آب تشکیل میده؟! اگه آب نباشه تو لاغر و مریض میشی. راستی، چرخه‌ی آب چهار مرحله‌ی اصلی داره: ((تبخیر، تراکم، بارش و جمع‌آوری)).

## سفرنامه‌ی آب...







وقتی که خورشید خانم، آب اقیانوس‌ها، دریاها و رودخانه‌ها رو گرم میکنه، آب، بخار میشه و به هوا میره. تو گرمای تابستان، وقتی که عرق میکنی، عرق هم با گرمای خورشید بخار میشه. قطره‌های شبنم روی گل‌ها و برگ درخت‌ها هم با گرما تبخیر میشن. وقتی که آب به بخار تبدیل میشه و بالا میره، با سرمای هوا دوباره به مایع تبدیل میشه و به شکل ابر در میاد. اون وقت آب‌های زیاد کنار هم جمع میشن، وزن ابرها سنگین میشه و آب از آسمان به شکل بارش به زمین برمیگرده. اگه هوا سرد باشه، آب به شکل برف و یاتگرگ در میاد. راستی می‌دانی که هر کدام از دانه‌های برف، شبیه هم نیستن؟! بعد از بارش، نوبت جمع‌آوری‌ه. فرقی نداره که آب به شکل باران، برف یا تگرگ باریده باشه؛ در هر صورت آب در اقیانوس‌ها، دریاها و رودخانه‌ها نگهداری میشه. اگه آب روی زمین بیاره، میره داخل زمین و آب‌های زیرزمینی اون جا ذخیره میشن. صبح وقتی خورشید خانم بیرون بیاد، آب دوباره تبخیر میشه و این کار ادامه داره...

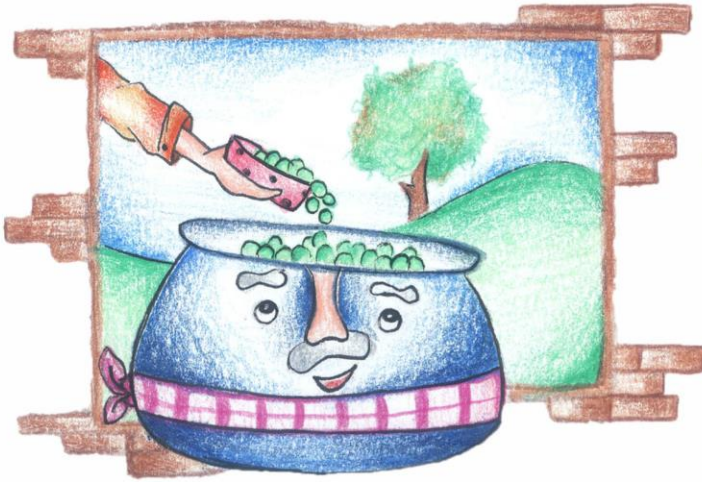
تصویرگر: زهرا منتظری

# تیان و چمچک

کرمانشاه: شهر فلاق موراک یونسکو

## ونوشک پلو

آقا هر چه ونوشک درون تیان می ریخت تیان تکانی به خودش می داد تا جا باز شود. آقا گفت: چه شد ای تیان پر نشد؟! وقتی به خانه رسیدند و ونوشک ها را خالی کردند متوجه شدند چقدر ونوشک آورده اند.

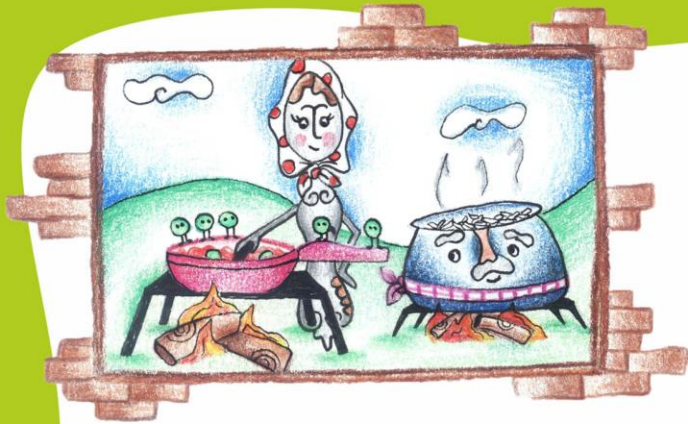


چمچک گفت: برنج و گوشت چرخ کرده، رب گوجه، زعفران دم کرده، فلفل سیاه، نمک و زردچوبه آماده باشید که ونوشک را هم بگم بیاد یه ونوشک پلو خوشمزه درست کنیم.



روزهای خوش آب و هوای بهار، فصل گشت و گذار در دل کوه و دشت های زیبای کرمانشاه است.  
یک روز که تیان و چمچک با خانواده به تفریح رفته و زیر درختچه ای نشسته بودند خانم خانه به آقا گفت: بعد از نهار تیان که خالی شد یه کم ونوشک بچین که ببریم بریزیم توی دوغ.  
چمچک گفت: تیان ونوشک زیادی توی خودت جا بده که ونوشک پلو درست کنیم.





چمچک گفت: برنج بیا تو تیان تا کمی که نرم شدی آبکش بشی.  
 تیان گفت: نان بیا ته دیگ بشو که مقداری برنج و مایه گوشتی  
 و ونوشک ها رو لایه لایه اضافه کنیم تا دم بکشه.  
 چمچک بعد از حدود ۴۵ دقیقه روغن کرمانشاهی را آورد روی  
 برنج ریخت تا این غذای خوشمزه آماده بشود.



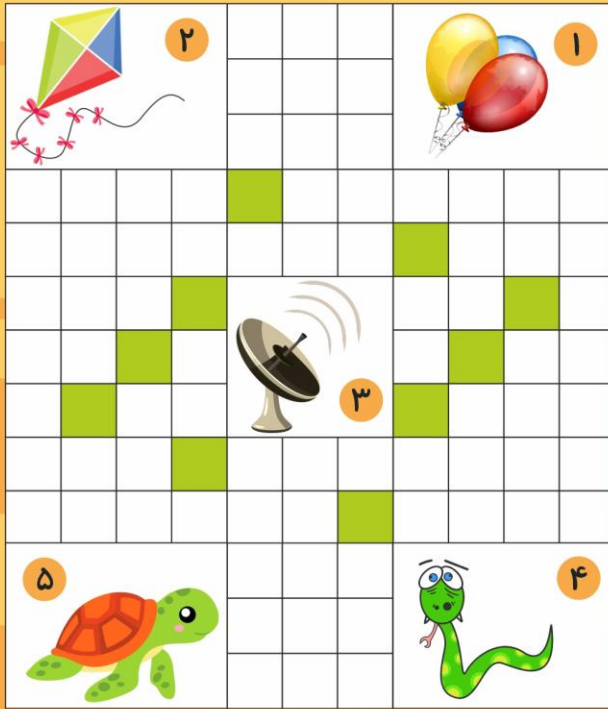
نویسنده: عبدالله مرادی  
 تصویرگر: نیلوفر الماسی تبار



چمچک گفت: برنج و نمک برین توی تشک تا مدتی خیس  
 بخورین. پیازهایی که نگینی خرد شدین برین تو تابه که حسابی  
 با زردچوبه سبک و طلایی شین. گوشت های چرخ کرده هم  
 اضافه بشین تا تفت بخورین.  
 تیان گفت: فلفل سیاه و رب گوجه فرنگی شما هم برین تفت  
 بخورین تا زعفران دم شده هم بیاد اضافه بشه. چمچک که  
 مشغول هم زدن مواد و تفت دادن بود گفت: ونوشک تو هم بیا  
 اضافه شو که بعد از تفت خوردن در تابه را بذاریم تا مواد آماده  
 بشن.



سلام بچه های عزیز  
جدول زیر رو کامل کنید



۱  
۲  
۳  
۴  
۵  
۶  
۷  
۸  
۹  
۱۰  
۱۱  
۱۲  
۱۳

## افقی

۱- همراه مادر ۲- کلمه تصدیق ۳- چین خوردگی زمین ۴- تصویر شماره پنج- ماسک ۵- میوه تلفنی- کشور چکمه ای ۶- جای پا- کشور پر جمعیت ۷- تصدیق انگلیسی- کوزه بزرگ ۸- لشکر- راندن مزاحم ۹- آرزومند- گندم آسیاب شده ۱۰- مکر- تصویر شماره یک ۱۱- شیوه ۱۲- همراه اطوار ۱۳- تصویر شماره چهار

## عمودی

۱- شهر چای ۲- طایفه- چهره تلویزیونی ۳- روشندل- سلطان جنگل ۴- قلب- عدد ورزشی ۵- از مراسم عروسی- مادر وطن ۶- صحت و راستی- آغاز ۷- جاده قطار- تصویر شماره سه ۸- بوی ماندگی- آب بند ۹- بالاترین جای کوه- سوغاتی کرمانشاه ۱۰- اسباب خودبینی- شهر فرانسه ۱۱- تصویر شماره دو

طراح جدول: رسول نادری



۱



۲



۳



۴



۵



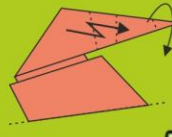
۶



۷



۸



۹

اورپیگامی



روابط عمومی  
شرکت توزیع نیروی برق  
استان کرمانشاه

# با انرژی

با تو ایران روشن است



## پویش ملی با انرژی ویژه دانش آموزان

### قصه از کجا شروع شد؟

البته که این فقط بخشی از ضررهای مصرف بی رویه برقه! موضوع مهم تر خاموشی های طولانی و قطع برق در شهرهای مختلفه! تصور کنید به خاطر مصرف بی رویه در شهر شما دیگه صنعت برق نتونه برق رسانی به سایر شهرها رو انجام بده و خب این یعنی خاموشی اون شهر... پس مصرف بهینه برق یعنی من برای روشنایی و حفاظت از محیط زیست ایران تلاش می کنم.

می دونستید که مصرف برق ما ایرانی ها تقریباً ۲ برابر متوسط جهانیه؟!

این در حالی که بیش تر برق ایران به وسیله سوخت های فسیلی مثل نفت و گاز و به طور کلی منابع طبیعی تولید میشه! قصه مون رو با این خبر بد شروع کردیم تا به شما و خودمون یادآور بشیم مصرف غیر بهینه ی برق بین ما ایرانی ها میتونه به ضرر محیط زیست تموم بشه.



۱ ویژه

ماهنامه محلی کودک و نوجوان



# چجوری باید برای روشنائی و حفاظت از محیط زیست ایران تلاش کنیم؟



تابستون کوتاهه اما توی همین زمان کوتاه، مصرف برق تقریباً ۴۰٪ افزایش پیدا میکنه! پس باید از همین الان کارمون رو شروع کنیم.

ما این تابستون برای یک هدف مشترک در «پویش همیار با انرژی» کنار هم جمع میشیم تا مصرف بهینه رو یاد بگیریم و بعد از چیزهایی که یاد گرفتیم توی زندگی روزمره مون استفاده کنیم. برای همراهی با ما در این پویش لازمه اپلیکیشن شاد رو داشته باشید و پویش همیار با انرژی رو دنبال کنید.



# مشارکت در پویش "همیار با انرژی" چجوریه؟

همون طور که گفتیم ما روی اپلیکیشن شاد با شما در ارتباط هستیم. پس مشارکت در پویش همیار با انرژی کار سختی نیست! کافیه از همین الان قدم به قدم با ما همراه بشید تا بهتون بگیم چجوری میتونید مشارکت کنید:

## قدم اول

در اپلیکیشن شاد به عنوان دانش آموز ثبت نام کنید.

## قدم دوم

از قسمت رویدادهای اپلیکیشن شاد، پویش «همیار با انرژی» رو انتخاب کنید.

## قدم سوم

با استفاده از دکمه‌ی «پویش همیار با انرژی» مستقیم وارد پویش بشید.

## قدم چهارم

وارد پویش که شدید می‌تونید کارت همیاری تون رو مشاهده کنید. توی کارت همیاری امتیازهایی که به دست میارید قابل مشاهده است. با همین امتیازها توی قرعه‌کشی‌های با انرژی شرکت داده میشید.

## قدم پنجم

برای به دست آوردن امتیاز میتونید شناسه قبض برق خونتون رو ثبت کنید و هر هفته از کنتور برق خونتون عکس بگیرید. توصیه می‌کنیم قبلش از قسمت ویدیوهای آموزش شادی، ویدیو مربوط به آموزش کنتورخوانی رو با دقت همراه پدر و مادر تون نگاه کنید. هر شناسه قبض برقی که ثبت می‌کنید ۵ امتیاز و هر بار عکس‌برداری از کنتور خونتون ۱۵ امتیاز و یا یک گیگ اینترنت براتون به همراه داره.

## قدم ششم

بعد از هر بار عکس از کنتور، با انرژی برای مصرف شما، هدف گذاری می‌کنه و بعد بر اساس میزان کاهش مصرف برق و مدت زمانی که همراه با انرژی بودید، امتیاز کسب می‌کنید.



# نتیجه مشارکت و جمع کردن امتیازها چی میشه؟



ما برای همراهی شما و امتیازاتی که به دست میارید برنامه داریم!  
اول اینکه با امتیازتون هر هفته میتونید توی گردونه‌ی شانس در قسمت باشگاه مشتریان اینترنت و یا کدهای تخفیف خدمات دیجیتال برنده بشید.

اگر هم دوست داشتید می‌تونید امتیاز جمع کنید و وارد قرعه‌کشی‌های ماهانه‌ی همیاران با انرژی بشید.



۴ ویژه

ویگان

ماهنامه محلی کودک



# حالا این قرعه کشی‌ها به چه صورته؟!

## ماه اول

۲۰۰۰ همیاری که حداقل ۴۰ امتیاز به دست آوردن تا یک میلیون تومان برنده میشن.

## ماه دوم

۲۵۰۰ همیاری که حداقل ۶۰ امتیاز به دست آوردن تا یک میلیون تومان برنده میشن.

## ماه سوم

۳۰۰۰ همیاری که حداقل ۸۰ امتیاز به دست آوردن تا یک میلیون تومان برنده میشن.



در ماه پایانی پویش هم به ۵۰ نفر از همیارانی که حداقل ۱۰۰ امتیاز به دست آوردن ۲۵ تبلت و ۲۵ کنسول بازی هدیه داده میشه.



## جایزه‌های بانرژی فقط همینا نیستا!



با انرژی به مدارس برتر یعنی مدارس که دانش آموزان اون‌ها بیش‌ترین میزان کاهش مصرف برق رو داشته باشن یک دستگاه لپ‌تاپ هدیه می‌ده.

به علاوه همه ی دانش‌آموزان این مدارس کد تخفیف خرید لوازم التحریر از بانرژی جایزه میگیرن. اینجوریه که سیستم بانرژی برای دانش‌آموزها همش سوخته!

اگر در مورد جزئیات این پویش سوال دیگه‌ای هم دارید می‌تونید با آیدی زیر در اپلیکیشن شاد در ارتباط باشید.

@HamyareBaenergy



آخرین اخبار بانرژی رو هم می‌تونید در کانال زیر دنبال کنید:  
[https://shad.ir/Hamyare\\_BaEnergy](https://shad.ir/Hamyare_BaEnergy)



روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان کرمانشاه

## تفکیک زباله در خانه

تفکیک زباله در خانه یکی از موثرترین راه‌ها برای بهبود فرایند بازیافت است. با جداسازی زباله‌ها از مبدا، می‌توان زباله‌تر و زباله خشک و زباله‌های قابل بازیافت و غیرقابل بازیافت را جدا کرده و در اختیار موسسات و شرکت‌هایی گذاشت که از آن‌ها برای تولید محصولات جدید، کمپوست یا تولید انرژی استفاده می‌کنند.

شهرداری کرمانشاه جزو اولین شهرداری‌های ایران بود که برای نجات زمین و جلوگیری از دفن زباله‌ها شرکت بازیافت را راه‌اندازی کرد و حالا قرار است با کمک شما کودکان و خانواده‌هایتان تفکیک زباله از مبدا را به صورت کامل در سطح شهر کرمانشاه عملی نماید.

### به جدول دقت کنید!

در برخی از خانه‌های جدول مقابل، انواع زباله‌های خانگی شامل: زباله‌های خشک و قابل بازیافت و زباله‌های تر و آلی افتاده است. شما با پیدا کردن زباله‌های خشک و قابل بازیافت، حرف عمودی روبروی ردیف آن زباله را به حرف افقی ستون بالای آن بچسبانید و در جدول حروف زیر بنویسید. مثل نمونه ما پاکت جای آب میوه را پیدا کردیم و حروف «ا» و «ح» را در جدول نوشتیم. با نوشتن حروف در جاهای باقی مانده یک پیام به دست می‌آید که رمز این جدول است.

افقی ←

ا	ه	ح	م	ی	ن	ف
!						
ی						
ز						
ی						
ب						
ت						
ک						
ب						
ب						

عمودی ↓

رمز جدول.....

ا ح ی ک ز



## آرش کمانگیر

بیرون از خانه قدم می‌زنم و با نگرانی مدام سرکوپه را نگاه می‌کنم که بابا و مامان کی بر می‌گردند؟ آخر قرار است خدا به ما یک داداش کوچولو هدیه کند. مامان بزرگ مشغول جارو و آب پاشی حیاط است.

صدا می‌کند: آذر... کجایی؟ بیا تو...

با اینکه منتظر مامان بابام هستم، می‌گویم چشم. توی حیاط مامان بزرگ لب حوض نشسته و دارد به گلدان‌ها رسیدگی می‌کند.

می‌گویم: مامان بزرگ! اسم داداشم رو چی بزاریم؟

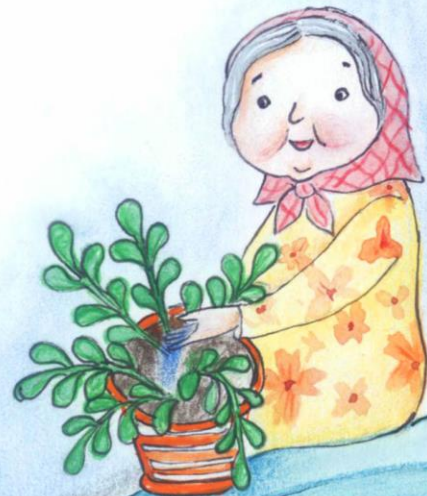
مامان بزرگ نگاه مهربانش را به صورت من می‌اندازد و می‌گوید: تو آذر مایی، اسم اونم بزاریم آرش تا به یاری خدا اسمگیر و نامدار بشه.

می‌پرسم: مامان بزرگ آرش یعنی چی؟

جواب می‌دهد: اسم به پهلوان قدیمی ایرانیه به بزرگمرد.

- مامان بزرگ داستانش رو برام تعریف می‌کنی؟

با دست‌های چروکیده اما قشنگش به گلبرگ‌ها  
گلدون آب می‌پاشد و می‌گوید: اون قدیم  
قدیم‌ها زمان منوچهر شاه، ایران توی  
جنگ از کشور توران شکست  
می‌خوره، پادشاه تورانی‌ها  
که افراسیاب بوده منوچهر شاه  
رو محاصره می‌کنه.



منوچهر شاه میگه جنگ رو متوقف کنن و به افراسیاب پیشنهاد میده بهترین کماندار ایران یک تیر پرتاب کنه؛ هر جا فرود اومد مرز ایران و توران بشه.

افراسیاب شرط رو قبول می‌کنه و روی یک پارچه ی باریک قرمز مهر میزنه و میگه اینو به تیر بندین. منوچهر شاه بهترین تیرانداز ایران یعنی آرش رو مأمور این کار می‌کنه. آرش با خوشحالی قبول می‌کنه و میگه: جانم رو توی این تیر به پرواز درمیارم تا ایران همچنان پهناور و سر بلند بمونه.

سحرگاه فردا مردم آرش کمانگیر رو تا دامنه ی کوه البرز بدرقه میکنن و آرش با تیر و کمانش از کوه بالا میره. مردم در خونه هاشون میشینن و به درگاه آفریدگار نیایش میکنن، دختر بچه هایی مثل تو گردنبندهاشون رو توی دست کویچکشون فشار میدن و به خدا التماس میکنن که تیر آرش بیشتر و بیشتر پرواز کنه.

آرش به بالای کوه میرسه و چشمش کمان اشکبارش رو به خاک میماله، از خدای بزرگ توان و نیرو می‌خواه

بعد با صلابت و استوار بلند میشه و تیر رو در چله ی کمان میزنه و با تمام قدرتش میکشه، کمان آرش آهنین بود، خدا آنقدر بهش قدرت میده که آهن سخت از دو طرف خم میشه.

آرش تیر رو تاراستای گوشش عقب میکشه و رها می‌کنه و خودش به زمین میفته. تیر از رود جیحون هم گذشت و به تنه ی یک درخت گردو فرود اومده، یعنی رود جیحون که تا قبل از جنگ با توران مرز دو کشور بوده داخل خاک ایران قرار می‌گیره و سپاهیان افراسیاب مجبور میشن ایران رو ترک کنن.

می‌پرسم: مامان بزرگ، آرش چی شد؟

آهی می‌کشه و می‌گوید: مردم هللهه پیا کردن و جشن گرفتن و خیلی‌ها برای استقبال از آرش به دامنه ی البرز رفتن، اما خبری از آرش کمانگیر نشد، جوان‌ها از کوه بالا رفتن و با پیکر بی‌جان آرش روبرو شدن. اون به عهدش وفا کرده و جانش رو در کمان گذاشته بود.

اشکم سرازیر می‌شود. مامان بزرگ بغلم می‌کند و با گوشه ی چارقش اشکم رو پاک می‌کند و می‌گوید: آرش هیچوقت نمرد؛ مُردن واقعی فراموش شدنه، همین که بعد از این همه سال هنوز اسمش و یادش جاریه یعنی توی قلب ما ایرانی‌ها همیشه زنده ست...

نویسنده: کوروش اسدی تبار  
تصویرگر: طاهره سعیدی



# لیسان



این بازی بین دو نفر یا بیشتر بازی می شود. هر بازیکن یک سکه در دست دارد. یکی از بازیکنان یک سکه بیشتر به نام ((لیس)) در دست دارد. ((سرلیس)) که سکه ((لیس)) در دستش است لیس را به سمت جلو و روی زمین پرتاب می کند.



خودش و بقیه بازی کنان باید سکه هایشان را به سمت لیس  
پرتاب کنند هر کس سکه اش به لیس نزدیک تر باشد برنده  
این مرحله از بازی است و یک امتیاز می گیرد.

نویسنده: عبدالله مرادی  
تصویرگر: هستی امیری



## داستان کیومرث



ازو اندر آمد همی پرورش / که پوشیدنی نو بُد و نو خورش  
و فرمان داد مردم از پوست حیوانات برای خود لباس درست  
کنند . مردم از پادشاهی کیومرث خوشنود بودند . همه ی  
جانوران به خدمت او درآمدند . کیومرث پسری داشت دلیر و  
پهلوان که نامش «سیامک» بود. اهریمن وقتی دید مردم از  
پادشاهی کیومرث و پسرش شاد هستند به آنها رشک ورزید و  
به پسرش که «خزروآن» بود دستور داد که باید به جای  
کیومرث تو پادشاه شوی .

سپه کرد و نزدیک او راه جست / همی تخت و دیهیم کی شاه جست  
خبر دشمنی اهریمن و خزروان به گوش سیامک رسید و او  
بسیار خشمگین شد و به جنگ با اهریمن رفت. اما سیامک که  
کلاه خود و زره نداشت و جنگیدن بلد نبود از خزروان شکست  
خورد و به دست او کشته شد.



به نام خداوند جان و خرد / کزین برتر اندیشه برنگذرد

شاهنامه شرح داستان های کهن است. قدیمی ترین و اولین  
انسان.

نخستین پادشاه «کیومرث» بود. کیومرث برای آسایش مردم و  
نگهداری جان آن ها از خطر ها دستور داد در کوه ها و غارها  
زندگی کنند.

که چون نو شد او بر جهان کدخدای / نخستین به کوه اندرون ساخت جای  
او سی سال پادشاهی کرد. در این مدت دد و دام و مرغ و ماهی  
و مردم به فرمان کیومرث بودند .





## بیشتر بدانیم

چرا پژوهشگران شاهنامه، کیومرث را اولین انسان می دانند؟

چون این داستان اولین داستان در شاهنامه است.

واژه ی کیومرث از دو واژه (کیو «گیو» گیان «جان» جاندار «زنده»  
و (مرث «مرت» مرد «مرگ» میرا «کسی که می میرد» درست شده  
پس کیومرث یعنی (زنده ی میرا).

## واژگان

کدخدا: صاحب خانه / گد: خانه + خدا: صاحب

آندرون: درون، داخل، در

دَد: حیوانات وحشی

دام: حیوانات اهلی

بُد: بود

خورش: خوردنی

رشک: حسادت

اهریمن: دیو بدکار، شیطان

خَزَرَوَان: پسر اهریمن

کلاه خود: کلاه ویژه ی جنگیدن

زره: لباس ویژه جنگیدن

تَنّا: تن، پیکر

بر آویخت: جنگید

تبه: تباه

ویله کنان: واویلا گویان

سیامک پیامد برهنه تنا / بر آویخت با دیو آهرمنا  
بزد چنگ و ارونه دیو سیاه / دو تا اندر آورد بالای شاه  
سیامک به دست خزروان دیو / تبه گشت و شد انجمن بی خدیو  
خبر کشته شدن سیامک به کیومرث رسید.  
فرود آمد از تخت ویله گنان / زنان بر سر و موی و رُخ را گنان  
نشستند سالی چنین سوگوار / پیام آمد از داور کردگار  
مردم نیز از این خبر به اندوه نشستند و سالی را سوگوار بودند...  
(در شماره بعد ادامه داستان را بخوانید)



گروه شاهنامه خوانی همایون

تصویرگر: همایون الیاسی



# میراث نسل بعدی

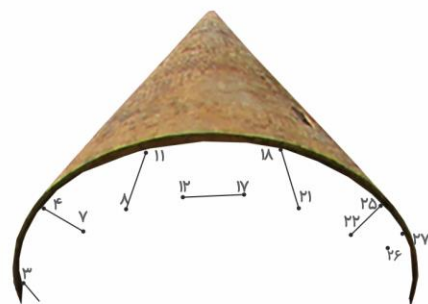
نه فکر شاخه بودی  
نه لانه ی کبوتر  
یک ثروت بزرگ است  
جنگل برای کشور  
با ارزش است و گنج است  
مانند شعر سعدی ست  
تنها برای ما نیست  
میراث نسل بعدی ست

آقای بی خیالی!  
با این ذغال و منقل  
لطفاً نرو دوباره  
سمت درخت و جنگل  
چون که تو دفعه ی پیش  
تابی به شاخه بسستی  
آتش به پا نمودی  
ده شاخه را شکستی

شاعر: پیوند فرهادی  
تصویرگر: پریسا وکیلی







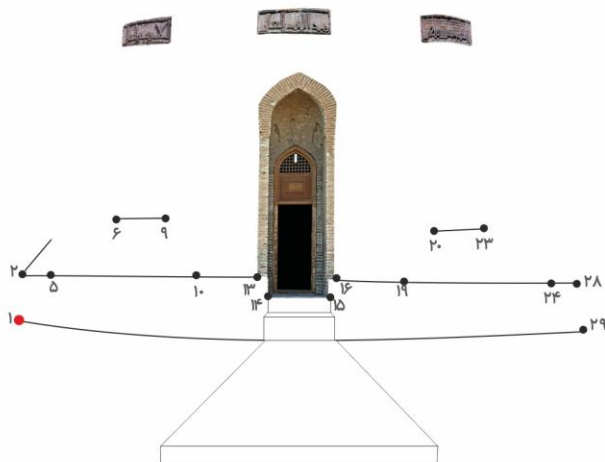
## بچه های عزیز!

گنبد قابوس یکی دیگه از بناهاییه که در فهرست میراث جهانی به ثبت رسیده. این بنا که در شهر گنبد کاووس - استان گلستان - قرار داره، سده‌ی چهارم هجری ساخته شده.

گنبد قابوس بعد از قطب منار هندوستان، بلندترین برج تمام آجری جهان به شمار میاد.

بچه ها! می دونید بلندای این برج ۷۲ متره؟ یعنی حدودا به ارتفاع یک ساختمان ۲۵ طبقه.

گنبد قابوس توسط (( کاووس بن وشمگیر)) یکی از پادشاهان آل زیار در سال ۳۷۵ هجری شمسی بنا شد.



حالا شما بچه های  
باهوش با دنبال کردن  
اعداد و وصل کردن  
نقاط به هم نقاشی این  
بنای زیبا را تکمیل کنید



یکی بود، یکی نبود. کشاورزی بود که در زمینش هویج پرورش می‌داد و با آنها آب هویج، مربا و حلوای هویج درست می‌کرد و می‌فروخت. در آن دور و بر یک عالمه خرگوش ناز و شکمو بود. خرگوش‌ها هربار تلاش می‌کردند که هویج‌ها را بدزدند و کلی نقشه می‌کشیدند، اما موفق نمی‌شدند. یک روز خرگوش‌ها یک جلسه‌ی فوری بر گزار کردند تا باهم فکری برای دزدیدن هویج‌ها بکنند. ناگهان یکی از خرگوش‌ها فکر خلاقانه‌ای به ذهنش رسید و نقشه‌اش را برای بقیه تعریف کرد. بعد از تمام شدن جلسه خرگوش‌ها به جنگل رفتند و کنار درخت‌های پرتقال یک کارخانه‌ی هویج سازی ساختند. خرگوش‌ها به چند دسته تقسیم شدند: گروه اول پرتقال‌ها را می‌چیدند. گروه دوم پوست پرتقال‌ها را جدا می‌کردند. گروه سوم پوست پرتقال‌ها را له می‌کردند و در قالب‌های هویجی می‌گذاشتند. گروه چهارم بعد از سفت شدن پوست پرتقال‌ها، آنها را درمی‌آوردند و با شیرهی درختان کمی سبزه به سر هویج‌های تقلبی می‌چسباندند تا شبیه هویج‌های واقعی شوند. بعد گروه پنجم هویج‌های واقعی را برمی‌داشتند و به جایش هویج‌های تقلبی می‌گذاشتند. یک روز کشاورز خواست هویج‌هایش را بچیند. بعد از چیدن هویج‌ها تصمیم گرفت یکی از هویج‌ها را بخورد. وقتی یک گاز به هویج زد متوجه شد که آن هویج طعم پوست پرتقال می‌دهد و خیلی تلخ است.

تصویرگر: هلیا قبادی

نام و نام خانوادگی: سدره احمدی  
۱۰ساله از شهرستان جوانرود، استان کرمانشاه  
مدرسه: حضرت مریم

## پویش همیار با انرژی چیه؟

به طرح با عنوان ۱۵ در ۲۱ برای دانش آموزانه که از طریق اپلیکیشن شاد در بخش رویدادها در حال اجراست و دانش آموزان میتونن با تشویق خانواده شون به کاهش مصرف و انجام ماموریت های ویژه ای که در این پویش از طریق برنامه شاد بهشون اختصاص داده میشه شرکت کنن و از کلی جایزه شامل تبلت، کنسول بازی و... برخوردار بشن.



لینک کانال همیار با انرژی در برنامه شاد: [https://shad.ir/Hamyare\\_BaEnergy](https://shad.ir/Hamyare_BaEnergy)



روابط عمومی  
شرکت توزیع نیروی برق  
استان کرمانشاه

